

ایثار الأقارب:

ایثارگری خویشاوندان:

الذي يؤثر أقاربه يميزهم كأقارب و بدرجاتهم وهناك دافع مبني في داخله ليهتم بهم بحسب ترتيبهم كدرجات قرابة يحملون نسباً متفاوتة من جيناته الفردية، فكلما زادت النسبة زاد الاهتمام والعكس صحيح، وهذا يجعل من الضروري أن تكون لديه القدرة على تمييزهم بوجوههم ولهذا فهو يهتم بابنه أكثر من ابن أخيه وبأخيه أكثر من ابن عمه وهكذا، وبالتالي المسألة لا تتعلق بالقرب المكاني ولهذا فـقرب الغرباء منا لن يؤدي إلى أن تخطئ غريزة إيثار الأقارب هدفها وتوجه إلى الغرباء لأنهم أصبحوا قريبين بعد الاستقرار في القرى الزراعية الأولى مثلاً.

اینکه فردی نسبت به نزدیکانش ایثار می‌کند، مستلزم آن است که وی آنها را بشناسد و آنها را از دیگران بازشناسد. انگیزهای در درون فرد نهادینه شده است که به نزدیکانش بر اساس میزان نزدیکی آنها به نسبت مقدار متفاوتی از رزهای فردی که در خود دارند، توجه و اهتمام نشان دهد. هر چه این نسبت بیشتر شود، توجه نشان دادن نیز بیشتر می‌گردد و بر عکس. بنابراین ضروری است که فرد از قدرتی برخوردار باشد تا بتواند آنها را از روی چهره‌شان شناسایی کند. به این ترتیب او به پسرش بیش از پسر برادرش و به برادرش بیش از پسر عمویش توجه نشان می‌دهد و به همین ترتیب تا آخر. قضیه ربطی به نزدیکی مکانی ندارد و در نتیجه نزدیک شدن افراد غریب به ما، باعث نمی‌شود قاعده ایثارگری خویشاوندی اشتباه کرده و به بیگانگان توجه نشان دهد؛ مثلاً پس از استقرار بشر در روستاها و جوامع کشاورزی بدوی.

نعم، يمكن تصور أن يحصل طفر بعض الأحيان فيجعل هذه الصفة أي إيثار الأقارب تتوجه أيضاً للغرباء، ولكن هكذا طفرأ في النهاية سيكون ماله الاندثار عاجلاً أم آجلاً؛ لأن هكذا مجموعة جينية غير قادرة على المنافسة مع المجموعة الجينية التي تختص بصفة إيثار الأقارب فقط في الطبيعة، لأن الذين يؤثرون أقاربهم سينجحون بنقل جيناتهم بشكل أكبر وبما أن المنافسة بين أفراد النوع الواحد أشد ضراوة فبالنتيجة عاجلاً أم آجلاً ستخرج المجموعة التي تحوي الجين الطافر من السباق ولن يبق إلا إيثار الأقارب.

أرى، ممكن است چنین تصور شود که گاهی اوقات با وقوع جهش، این ویژگی یعنی ایثارگری خویشاوندی متوجه بیگانگان نیز بشود ولی فرجام چنین جهشی دیر یا زود انقراض و نابودی است، زیرا چنین ژن‌هایی نمیتوانند با آن دسته از ژن‌هایی که مخصوص ویژگی ایثارگری فقط به خویشاوندان هستند، رقابت کنند؛ چرا که کسانی که نزدیکانشان را ترجیح میدهند، میتوانند به شکلی گسترده، ژن‌های خود را منتقل سازند و از آنجا که رقابت بین افراد یک گونه سخت و نفس‌گیر است، لذا دیر یا زود گروهی که حامل ژن‌های جهش‌یافته از آن نژاد هستند، از گردونه خارج شده و فقط ایثارگری خویشاوندی بر جای می‌ماند.
